

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسؤولیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول‌گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





http://jlr.sdil.ac.ir/article_43985.html

مجله پژوهشهای حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۳، بهار - تابستان ۱۳۸۷
صفحات ۲۸۹ الی ۲۹۹، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۵/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۴

بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

دکتر حسن مرادزاده*

چکیده: اصولاً معلولیت جسمی رافع مسئولیت کیفری نیست و معلول مرتکب جرم باید مجازات عمل مجرمانه خویش را متحمل شود. در این موارد شرایط جسمی مرتکب ایجاب می‌نماید که نحوه اعمال مجازات با وضعیت وی تطبیق داده شود. در رأیی که دیوان اروپایی حقوق بشر در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۶ علیه دولت فرانسه صادر نمود این مطلب را خاطر نشان ساخت که دولتهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید در اعمال مجازات حبس علیه اشخاص دارای معلولیت به اصل مناسب‌سازی زندان توجهی ویژه مبذول دارند تا کرامت ذاتی آنها پاس داشته شود.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، معلولان زندانی، مناسب‌سازی، شکنجه، کرامت ذاتی، دیوان اروپایی حقوق بشر

مقدمه

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شامل هیچ مقرره خاصی در ارتباط با اشخاص دارای معلولیت نیست. از این گذشته، هیچگونه حکم ویژه‌ای به افراد دچار سلب آزادی و به طریق اولی اشخاص معلول محبوس اختصاص نیافته است. با وجود این، این مسأله را نمی‌توان از نظر دور داشت که حبس فردی معلول یا بیمار و عدم

* دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران و دانشگاه نانت فرانسه

توجه به شرایط خاص او به موجب ماده «سه» کنوانسیون می‌تواند دشواری‌هایی را برای دولتهای عضو اتحادیه اروپا به بار آورد. ماده «سه» کنوانسیون بیان می‌دارد:

«هیچکس نباید تحت شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تزدیلی قرار گیرد».

دیوان اروپایی حقوق بشر در اکتبر ۲۰۰۶ رأیی را علیه کشور فرانسه به دلیل عدم مناسب‌سازی بازداشتگاه برای فردی در صندلی چرخدار، صادر نموده است. این رأی نه از لحاظ میزان غرامت، بلکه از لحاظ اینکه عدم مناسب‌سازی به‌عنوان خسارتی قابل مطالبه انگاشته شده است، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در اینجا نخست خلاصه‌ای از رأی مزبور و دفاعیات طرفین بیان خواهد شد و سپس به ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: خلاصه‌ای از مندرجات رأی^۱

شاکی آقای «الیویه ونسان»^۲ نام دارد که در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳ نزد دیوان اروپایی حقوق بشر دعوای خود را مطرح ساخت. وی متولد ۱۹۷۰ بوده و در هنگام صدور رأی از سوی دیوان، در بازداشتگاه «ویلپنت»^۳ به سر می‌برد. شخص مورد نظر در اثر حادثه رانندگی از سال ۱۹۸۹ از کمر به پائین فلج شده است. او تنها با صندلی چرخدار می‌تواند حرکت کند و البته قادر است اعضای بالاتنه‌اش را حرکت دهد. در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۲ به اتهام ارتکاب جرم ربودن و محبوس ساختن صغیر کمتر از ۱۵ سال که در این مورد خاص، نوزادی هفت‌ماهه بود، تحت بازجویی قرار گرفت و با قرار بازداشت موقت به بازداشتگاه «نانترا»^۴ فرستاده شد. در چهار مارس ۲۰۰۵ وی توسط دادگاه جنائی «سن مرن»^۵ به ۱۴ سال حبس جزایی با محاسبه مدت بازداشت، محکوم شد. در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ کیفر مزبور طی تجدیدنظرخواهی به ۱۰ سال حبس جنائی در «نانترا» تقلیل یافت. شاکی از تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۲ تا ۱۷ فوریه ۲۰۰۳ در بازداشتگاه «نانترا» زندانی شد. در ۲۵ دسامبر ۲۰۰۲ در پی تلاشی جهت خودکشی، به بیمارستان زندان انتقال یافت.

در اینجا به دفاعیات هر یک از طرفین در خصوص وضعیت بازداشتگاههایی که آقای

1. CEDH, 2^e sect, 24 octobre 2006, no 6253/03, VINCENT c. France
 2. Olivier Vincent
 3. Villepinte
 4. Hauts-de-Seine Nanterre
 5. Seine Marne

«ون سان» در آنها به سر می‌برده اشاره می‌شود:

- بازداشتگاه «نانتر»، نظر شاکی:

شاکی در سلولش از امکانات روزمره مانند آینه و کمد به دلیل فاصله زیاد از سطح زمین، محروم بود. از طرف دیگر، وی به درمانگاه نیز بخاطر آنکه بهینه‌سازی لازم جهت صندلی چرخدار نشده بود، دسترسی نداشت. او متذکر می‌شود که به علت نقص فنی از ۳۱ ژانویه تا ۴ فوریه ۲۰۰۳ صندلی چرخدار خود را در اختیار نداشته و صندلی چرخداری را که زندان به او عاریه داده بود، به واسطه کهنه و فرسوده بودن، نمی‌توانست استفاده کند و مجبور بود بخصوص برای رفتن به توالت روی زمین بخزد.

در ۱۷ فوریه ۲۰۰۳ در پی تقاضای روانپزشک زندان، می‌بایست به بازداشتگاه «فرن»^۶ منتقل می‌شد. بنا بر نظر وی، زندانی باید به مرکز روانپزشکی انتقال می‌یافت و سپس در مرکزی که متناسب با شرایط شخصی و قدرت حرکتی او بود، اسکان داده می‌شد.

- نظر دولت:

در هنگام تعمیر صندلی چرخدار، زندانی از صندلی چرخدار دیگری برخوردار بود. وی در طبقه همکف اتاقی شخصی در اختیار داشت و در ورودی اتاقش بقدر کافی عریض بود تا بتواند با صندلی چرخدار از آن رد شود. البته، تختش طبی نبود و نمی‌توانست بدون استفاده از صندلی چرخدار به حمام دسترسی داشته باشد، در عوض، یکی از پرسنل زندان به او در هنگام رفتن به توالت کمک میکرد و یکی از زندانیان نیز سلولش را تمیز می‌نمود.

گزارشی موجود است که طی آن در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۰۳ رئیس زندان تقاضای انتقال وی را به مرکزی که مجهز به تخت طبی است و خدمات پزشکی و روانپزشکی نیز در دسترس است، داده بود. این درخواست در تاریخ ۱۲ فوریه تجدید شد، چرا که در دفعه نخست جای کافی در اختیار نبود. در ۱۷ فوریه ۲۰۰۳ زندانی انتقال یافت.

- بازداشتگاه «فرن»:

شاکی از ۱۷ فوریه تا ۱۱ ژوئن ۲۰۰۳ در بازداشتگاه «ول دو مرن» (فرن)^۷ نگهداری شد. در آنجا از سلولی با تخت طبی همراه با بازداشتی‌های دیگری هم که از صندلی چرخدار استفاده می‌کردند، بهره‌مند بود. همچنین، از حمام خاصی به همراه سه بازداشتی معلول

6. Fresnes

7. Val-de-Marne(Fresnes)

جسمی - حرکتی دیگر می‌توانست استفاده کند.

- دیدگاه شاکی:

طی این دوران به دلیل آنکه ورودی درها بسیار تنگ بودند، به راحتی نمی‌توانست تردد کند. او به خاطر عدم مناسب‌سازی به مرکز آموزشی دسترسی نداشت و علاوه بر آن، از هرگونه فعالیت ورزشی، مذهبی و حرفه‌ای محروم بود.

او جهت اثبات ادعاهای خویش هم به گزارش بخش ارزیابی و هم اقدام زندان مبنی بر اینکه او به دلیل عدم عریض بودن درها نمی‌توانسته از صندلی چرخدار خویش استفاده کند، استناد کرد.

پزشک زندان در پی درخواست شاکی، گواهی‌ای با این مضمون برای وی صادر کرد: «گواهی می‌شود که شما از سلول و سرویس بهداشتی مناسب برخوردارید. با وجود این، قادر نیستید چون یک بازداشتی سالم از فعالیتهای ورزشی، مذهبی و غیره بهره‌مند گردید». او مشکلات دیگری را هم که در این مدت با آنها دست و پنجه نرم می‌کرده متذکر می‌شود مانند اینکه: هر بار جهت عبور از یک در باید کسی کمک می‌کرد تا یکی از چرخهای آن را باز کند و سپس آن را ببندد. او برای دوش گرفتن با مشکلاتی مواجه بود که این امر موجب شد تا از زمان ورودش به بازداشتگاه تا مدت دو ماه نتواند دوش بگیرد. همچنین، روزی که قرار بود تا نزد قاضی تحقیق برود، او را در وسیله نقلیه مخصوص حمل زندانیان گذاردند و پزشکی که چنین حمل و نقلی را تجویز کرده بود گفت که دامپزشک نیست تا به امور چنین موجودی رسیدگی کند.

- نظر دولت:

بازداشتگاه «فرن» در پایان قرن نوزده بنا شده و عملیات بهینه‌سازی جهت استفاده توسط بازداشتی‌هایی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کنند، صورت گرفته است. در طبقه هم کف، ورودی درها بقدر کافی عریض شده و وی نیز که اتاقی در همان طبقه داشت، در سلولش از تخت طبی برخوردار بود. حمام نیز جهت استفاده وی و سه تن دیگر از بازداشتی‌های همانند او مناسب‌سازی شده بود. مضافاً، برای دسترسی به کتابخانه، سالن ورزش و نمازخانه یک همراه در اختیار او بود، اما خودش همواره از رفتن به این اماکن امتناع می‌ورزید.

- بازداشتگاه «سرژی پنتواز»^۸

شاکی از ۱۱ ژوئن ۲۰۰۳ تا ۲۱ فوریه ۲۰۰۵ در بازداشتگاه فوق الذکر محبوس شد. در اینجا نیز شاکی مواردی را به عنوان مشکلات و تنگناها برای زندگی و بهره‌مندی معلول در صندلی چرخدار ابراز کرد که دولت نیز به نوبه خود در پاسخ مواردی را بیان داشت.

- بازداشتگاه «مو شکنن»^۹

شاکی در ۲۱ فوریه ۲۰۰۵ به این مرکز که اخیراً بنا شده و بطرز خاصی برای اشخاص معلول مناسب‌سازی شده است، انتقال یافت.

در تاریخ ۲۷ مه ۲۰۰۵ پزشک مرکز چنین گزارش می‌دهد: «این مرکز کاملاً برای استفاده افراد معلول سازگار است. آقای «ون سان» که دچار معلولیت جسمی حرکتی است، اتاقی در اختیار دارد. اتاق وی ۱۰ متر مربع مساحت دارد. در این اتاق، دوشی تعبیه شده که برای او کاملاً قابل دسترسی است و صندلی دسته‌داری در زیر آن قرار گرفته که می‌تواند در هنگام استحمام روی آن بنشیند. در ساختمان آسانسور تعبیه شده است. از نظر دسترسی به وسائل ورزشی نیز مشکل خاصی نیست، او می‌تواند به ورزشهایی مانند تنیس روی میز و بسکتبال بپردازد. بنا است تا او مسئول کتابخانه شود تا از لحاظ اشتغال نیز مشکلی حل گردد. در خصوص مراقبتهای پزشکی، آقای «ون سان» می‌تواند از هرگونه امکانات پزشکی که وضعیت سلامت او اقتضا دارد، برخوردار شود. به‌طور کلی، بهره‌گیری وی از همه امکانات اعم از تفریحی، ورزشی، پزشکی و به‌زودی اشتغال بدون هرگونه تبعیضی میسر است.

- بازداشتگاه «ویلپنت»^{۱۰}

شاکی در ۲۱ مارس ۲۰۰۶ به بازداشتگاه «ویلپنت» انتقال یافت.

- دیدگاه شاکی:

او معتقد است که این مرکز برای معلولیتش سازگار نبوده و دسترسی لازم به خدمات بهداشتی و پزشکی نیز مناسب نبوده است. مضافاً، اتاقش نیز بهینه‌سازی نشده بود.

- نظر دولت:

دلیل انتقال وی، رفتار خود زندانی بوده است. این نکته در نامه‌ای که مسئول مرکز خطاب به او نوشته بود، منعکس است. در مرکز جدید نیز او از اتاقی بهینه‌سازی شده که

8. Cergy-Pontoise

9. Meaux-Chauconin

10. Villepinte

در آن دوش تعبیه شده بود، برخوردار بوده است. همچنین، استفاده از سالن ورزش، پیاده‌روی و سالن سخنرانی برایش ممکن بوده است، ولی وی از شرکت در اینگونه فعالیتها امتناع می‌ورزید. کتابخانه به‌طور مستقیم قابل دسترسی برای او نبود، اما به‌طور مرتب بر حسب تقاضا، کتاب در اختیارش قرار داده می‌شد.

نهایتاً دیوان با ارزیابی اوضاع و احوال واقعه و استماع دفاعیات طرفین در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۶ مبادرت به صدور رأی نمود:

شاکی، مبلغ ۵ میلیون یورو به‌عنوان آسیبها و لطمات جسمی و روحی که در دوران بازداشت متحمل شده بود، مطالبه کرد. او همچنین تقاضا داشت تا بنا بر دلائل پزشکی آزاد شود. دولت چنین ارزیابی نمود که خواسته‌های وی آشکارا بیش از حد بوده و فاقد هرگونه اساس و مبنائی است. و اگر هم بنا است نقض ماده سه تصدیق گردد، دولت مبلغ ۲۰۰۰ یورو را برای پرداخت پیشنهاد می‌کند.

دیوان متذکر شد که صلاحیت تصمیم‌گیری نسبت به تقاضای آزادی مشروط شاکی را ندارد.

نسبت به آنچه که مربوط به خسارات متحمل از جانب شاکی می‌گردید، دادگاه بر اساس موازین انصاف نظر بر آن داشت که باید مبلغ ۴۰۰۰ یورو به وی پرداخت شود. تصمیم دادگاه نسبت به خسارات تأخیر تأدیه نیز بدین ترتیب بود که مقیاس شاخص بانک مرکزی اروپایی را برابر با ۳ درصد ملاک جهت محاسبه خسارات تأخیر تأدیه قرار داد. در پایان دادگاه به موجب این دلایل، بشرح ذیل مبادرت به صدور رأی نمود:

یک - اعلام می‌دارد که دعوا نسبت به خواسته عدم امکان تردد برای شاکی با وسایل خاص وی، در زندان «فرن» قابل پذیرش بوده و نسبت به سایر موارد رد می‌گردد.

دو - آنچه که به‌عنوان نقض ماده «سه» کنوانسیون توصیف گردید، به دلیل عدم امکان تردد خواهان با وسایل خاصش در زندان «فرن» است.

سه - بنابر نظر دادگاه، دولت (معترض عنه) باید در حق شاکی طی سه ماه از روزی که حکم قطعی خواهد شد، مطابق پاراگراف ۲ ماده ۴۴ کنوانسیون مبلغ ۴۰۰۰ یورو به‌عنوان خسارت اصلی تأدیه کند. مبلغ مزبور می‌تواند از محل مالیات تأمین گردد. از تاریخ انقضای مهلت پرداخت تا هنگام تأدیه وجوه از سوی دولت، محکوم به پرداخت کلیه خسارات تأخیر تأدیه مطابق شاخص بانک مرکزی اروپایی که برابر با سه درصد است، می‌باشد.

گفتار دوم: ارزیابی رأی

با نگاهی به استدلال‌ات منعکس در رأی در می‌یابیم، این واقعیت که شاکی، جهت عبور از در، می‌بایست توسط افراد دیگر حمل می‌شد، چرا که یکی از چرخهای صندلی چرخدارش به علت عریض نبودن درگاه باید جدا میشد و پس از عبور از آن دوباره متصل می‌گردید؛ در عمل، به‌عنوان کسر شأن و توهینی، برای او قلمداد می‌شد.

گذشته از این، این نکته نیز مد نظر قضات دیوان بود که وی می‌بایستی سپاسگزار و منت‌دار کسی که به او کمک می‌کرد، می‌بود. مشاهده شد که زندانی مدت چهار ماه را در این شرایط در بازداشتگاه «فرن» به سر برد، و این در حالی بود که وضعیت ناگوارش از جانب بخش ادغام امور زندانها و یک پزشک مورد تصدیق قرار گرفته بود. نکته دیگری که در رأی صادره علیه فرانسه مد نظر بود آن است که در منطقه پاریس بازداشتگاههای دیگری وجود داشت که مسؤولان می‌توانستند وی را به آنجا انتقال دهند. نکته قابل اعتنای دیگر آن است که دولت تنها به دلایلی توجه کرده بود که نگهداری او را در «فرن» توجیه می‌کرد.

شاکی ضمن اقامه دعوی خویش نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر، نسبت به نقض مواد ۳، ۶، ۹ و ۱۴ بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون استناد کرد. از میان مواد استنادی، استدلال مربوط به نقض ماده ۳ که شأن و منزلت بشری را با ممنوع ساختن ایراد درد، رنج و رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز، مورد حمایت و صیانت قرار می‌دهد، بیشتر خودنمایی می‌کرد و مورد پذیرش دیوان هم قرار گرفت. لازم به ذکر است که از میان بازداشتگاههایی که شاکی ادعای نقض مواد مختلف کنوانسیون را در آنها داشت، تنها چهار ماه حبس وی در بازداشتگاه «فرن» مورد پذیرش دیوان قرار گرفت.

مسأله حق مورد تضمین از سوی کنوانسیون آنچنان‌که توسط دیوان مطرح گردیده، در راستای سازگاری وضعیت سلامت شاکی با نگهداری وی در بازداشت بمدت چهار ماه در محلی که نمی‌توانسته به تنهایی تردد کند، بود. با توجه به وقایع موجود، چنین ارزیابی‌ای، نمی‌تواند قانع‌کننده باشد. زیرا به نظر می‌رسد که دیوان، معلولیت و آسیب‌شناسی را خلط کرده باشد. در واقع، این مورد یکی از اسباب و علل ممکن است و نه علت انحصاری قضیه ذیربط.

البته باید گفت، گاه محدوده معلولیت با آنچه که از نوعی بیماری نشأت می‌گیرد،

دارای نقاط مشترک می‌شود. همانند مورد رأی «پرایس»^{۱۱} علیه انگلستان (مورخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۱) که از لحاظ موضوعی به مورد حاضر بسیار نزدیک بود. مسأله اصلی، عدم سازگاری با ماده ۳ به واسطه غیرقابل دسترس بودن یک زندان و وسائل آن برای یک بازداشتی فلج، می‌باشد. از این لحاظ، دیوان نمی‌تواند تعریفی کامل و قابل به‌کارگیری نسبت به معلولیت را در نظر گیرد، به نحوی که در رأی موسوم به «بوتا» علیه ایتالیا^{۱۲} در ۲۴ فوریه ۱۹۹۸، ظاهراً دادگاه خود را منطبق با تعریف کمیته وزرا مندرج در توصیه‌نامه شماره ۶ مورخ نهم آوریل ۱۹۹۲ ساخت. تعریف مزبور بدین ترتیب بود: «امتیازات منفی اجتماعی برای فردی خاص که ناشی از نوعی نقص یا عدم توانایی او بوده و او را از ایفای نقشی عادی در ارتباط با سن، جنس و عوامل اجتماعی و فرهنگی جامعه، باز می‌دارد یا محدود می‌کند.» نحوه چنین تمسکی از یک نگاه کلاسیک بدین معنا است که: «جهت قرار گرفتن تحت شمول ماده ۳، رفتار ناشایست باید به حداقل شدت برسد» که به‌طور شخصی و درون‌ذاتی ارزیابی می‌گردد. به‌طور اساسی، در قضیه مورد بحث هیچ چیز، مثبت قصد و نیتی دال بر تحقیر و کوچک انگاشتن شاکی نبود. با وجود این، ارزیابی دادگاه استراسبورگ چنین بود که حبس شخصی دارای معلولیت در مکانی که نمی‌تواند حرکت کند و بویژه سلول خود را با وسائل خاصش، ترک کند، شامل رفتاری تحقیرآمیز در معنای ماده ۳ کنوانسیون می‌گردد. رأی «پرایس» چند سال پیش از آن، همین سخن را با تأکید بر اینکه، عمل نگهداری و بازداشت شخص شدیداً معلول در شرایط ناسازگار نسبت به وضعیت سلامت او یا غیرقابل دسترس بودن تجهیزات زندان، موجد رفتاری تحقیرآمیز است، مطرح نساخته بود.

با اینکه اوضاع و احوال در قضیه حاضر متفاوت است، شایسته است تا یادآوری شود، دادرسی که حکم بر حبس کیفری می‌دهد که با توجه به شدت معلولیت به‌طور ویژه‌ای سخت و ناملائیم است، باید از تجهیزات مساعد و متناسب با شدت معلولیت اطمینان حاصل کند. این امر نوعی تعهد نظارت را برای قاضی نسبت به تناسب و توازن بین ضمانت اجرای کیفری و معلولیت ایجاد می‌کند.^{۱۳}

11. no 33394/96, § 30, CEDH 2001-VII Price c Royaume-Uni.

12. Botta c/ Italie, 24 février 1998, F. Sudre, *Les grands arrêts de la Cour européenne des droits de l'homme*, PUF Thémis, 2e éd. 2004,

13. A. Boujeka, *Convention de sauvegarde des droits de l'homme et des libertés fondamentales; Cour européenne des droits de l'homme; Détention; Détenu handicapé; Inaccessibilité; Traitements inhumains ou dégradants, droit sanitaire et social, mai-avril*

به غیر از مسأله مربوط به حبس و بازداشت، این رأی دعوتی است عام مبنی بر نگرشی دوباره راجع به حمایت از اشخاص معلول به واسطه حقوق بنیادین در قلمرو خاص قابلیت دسترسی.

در خصوص این مورد قواعد بسیار اندکی بِنفع اشخاص دارای معلولیت که از سوی دادگاه در رأی «بوتا» اعلام شده و تداوم یافته، وجود دارد. این رأی در خصوص عدم رعایت قانون ایتالیا که مؤسسات مربوط به سرویسهای بهداشتی و استحمام را مجبور به مناسب‌سازی تجهیزات مربوطه می‌کند، صادر شد. باید گفت که امروزه مسأله در فرانسه در همان شرایط تحت عنوان اعمال قانون ۱۱ فوریه ۲۰۰۵ (مواد ۴۱ به بعد) در ارتباط با قضیه مناسب‌سازی اماکن عمومی مطرح است.^{۱۴} با فقدان مقررات مربوط به معلولیت در کنوانسیون، دیوان ناگزیر بود تا دعوی عدم مناسب‌سازی را به حقوقی که توسط کنوانسیون تضمین می‌شود، وابسته سازد. ماده ۸ که احترام به زندگی خصوصی را پیش‌بینی می‌کند، به‌طور متداول مبنای زمین‌های را جهت حمایت از اشخاص معلول فراهم می‌آورد. در این موضوع، جهت دانستن اینکه آیا از جانب دولت قصوری نسبت به زندگی خصوصی وجود داشته است، ارزیابی دادگاه چنین بود که؛

«باید برقراری تعادل صحیح میان منفعت عمومی و منافع افراد را در نظر گرفت، دولت در همه فروع از نوعی ضریب اطمینان بهره‌مند می‌شود. به همین نحو می‌توان گفت که در خصوص استقلال شخص معلول تحت ماده ۸ و به‌عنوان حق - اعتبار حقوق داخلی حاکمیت داشته و، دادگاه از تحمیل تعهدات اقتصادی و مالی بر دولت‌ها بجز مواردی که به صراحت در کنوانسیون آمده باشد، امتناع می‌ورزد».

چنین روشی در رأی دیگری که بعد از رأی «بوتا» نیز صادر گردید، یافت می‌شود.^{۱۵} با وجود این، رویه دیوان می‌تواند دستخوش تحول گردد. در عمل، و رای اینکه دادگاه در رأی موسوم به «مارزاری» علیه ایتالیا^{۱۶} بر نوعی حق واقعی استقلال برای اشخاص

←

2007, N°2, p. 351.

۱۴. در ایران ماده دو قانون جامع حمایت از معلولان به موضوع مناسب‌سازی اماکن عمومی اختصاص یافته است.

15. CEDH, Zehnalova et Zehnal c/ République Tchèque 14 mai 2002, F. Sudre, *Grands arrêts* préc., p. 376.

16. Marzari c/ Italie, CEDH 4 mai 1999, F. Sudre, *Grands arrêts* préc., p. 376.

معلول تأکید ورزید، می‌توان همین عقیده را به‌طور جداگانه در قضیه «پرایس» بخوبی مشاهده نمود که بدین نحو ابراز شده است: «چنین تمهیداتی جهت جبران، بخشی از تمامت شخص دارای معلولیت را تشکیل می‌دهد» (دیدگاه ابرازی از جانب خانم قاضی «گرو»^{۱۷}). آیا نباید این دیدگاه در تمامی فروض معلولیت‌های واقعی جهت آنکه در موقعیت خاصی از معلولیت و سلامت، امری تحقیرآمیز تلقی شود، حاکمیت یابد؟ حقیقت آن است که با فقدان مقررات ویژه راجع به معلولیت در کنوانسیون، وضعیت بدین نحو خواهد ماند که به منظور حصول حق استقلال فرد معلول باید رابطه‌ای مستقیم با یکی از مقررات کنوانسیون جهت تحصیل تأثیرگذاری کامل، برقرار ساخت. این رابطه بین قابلیت دسترسی به اماکنی که پذیرای عموم است و ماده ۸ کنوانسیون ایجاد نشده است. این ارتباط مستقیم همچون مانعی جدی در مسیر شناسایی ساز و کاری کلی جهت تضمین استقلال اشخاص معلول در حقوق بشر اروپایی باقی می‌ماند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که رأی دیوان اروپایی حقوق بشر گامی است مؤثر در جهت شناسایی این نکته که خسارات ناشی از عدم دسترسی می‌تواند به‌عنوان زیانهای قابل جبران تلقی گردد. قضات دیوان با صدور این رأی بر این نکته تأکید ورزیدند که دادرسان در صدور آرای خویش باید وضعیت جسمی و روانی متهم را مد نظر داشته باشند. مثلاً محیط زندان با توجه به شرایط معلولیت فرد بازداشتی قابل دسترس باشد، در غیر این صورت به‌عنوان آزار و اذیت و رفتاری تحقیرآمیز انگاشته می‌شود. حال آنکه اگر وضعیت معلولیت او لحاظ نگردد چنین نخواهد بود. این رأی نه از لحاظ مبلغ مورد حکم بلکه از این جهت که عدم قابلیت دسترسی، مبنائی جهت مسئولیت دولت انگاشته شده بویژه آنکه این خسارات معنوی بوده است، حائز اهمیت است.

سرانجام باید متذکر شد که با الهام از ماده ۲۶ معاهده حقوق بنیادین اتحادیه اروپا مورخ ۷ دسامبر ۲۰۰۰ و کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶، لازم است متنی الزام‌آور در این خصوص تنظیم گردد؛ چنین

متنی می‌تواند به طور مثال به صورت پروتکلی الحاقی به کنوانسیون اخیر به تصویب
برسد.^{۱۸}

18. A. Boujeka, *op. cit.*, p. 352.

بخشی از این مطالب برگرفته از سخنرانی آقای اوگوستن بوژکا در همایش حمایت اروپایی، بین‌المللی و تطبیقی از شخص معلول (protection européenne, internationale et comparée de la personne handicapée) به تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۷ در پاریس است که خود نیز در آن حضور داشتم.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code (A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study